

محببت بر سر بره دیدن زین گفت

گفت: این سر بره پنهان در خود را ملاحظه کن

گفت: امر دست این بر اهن است ان نیست

گفت: کار مرغ کار مردم در این نیست

گفت: بستر زان سبب انداخته در فزان میرود

گفت: از طرغامت جادات بر دین نم

گفت: جرم دل در فتح نیست در محمل نیست

گفت: پوشیده است جز نشتر ز پودر دانه نیست

گفت: سبب تورا تا خانه تا هر بزم

گفت: اگر نیستی ز سر در آفتاب کلاه ؟

گفت: در صبح کمر بفرمیش سیدار نیست

گفت: در سر عقل باید بپوشد هر عار نیست

گفت: نزدیک است دلار در اسرار آبی شرم

گفت: می سیر خود در زلال صفتی نموده روی

گفت: دلار از کجا در فضا غمخیز نیست ؟

گفت: امر بپوشد که حرف کم در آب نیست

گفت: تا دل در غم لا گویم در مسجد نجواب

گفت: باید عدلند همسایه مردم مست را

گفت: مسجد خلواکه مردم بپا نیست

گفت: همسایه بیار اینی که هر عیب نیست !